

Asianization: A New Interpretation of "Look to East" Policy

Mohammad Hassan Sheikholeslami

Associate Professor, Diplomacy and International Organizations, School of International Relations, Ministry of Foreign Affairs (mhsheikh@gmail.com)

Sajjad Atazade

Corresponding Author, M.A., Regional Studies, School of International Relations, Ministry of Foreign Affairs (sajjad71atazadeh@gmail.com)

Abstract:

“Look to East” strategy has become one of the main themes related to the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in recent years. Despite the repeated emphasis on this strategy, one of the main problems in this field is the lack of a precise explanation and different definitions of the word "East". On the other hand, in recent decades, and especially after the beginning of the new millennium, we have witnessed the rise of Asia and the increasing role of the Asian countries in international relations. The question posing itself is whether it is possible to forge a bridge between look to east and rise of Asia. The investigations of the current research under the descriptive-analytical method and based on library sources presented a new reading of looking to the East, categorized under the policy of "pivot to Asia" or more specifically “Asianization”. In addition, it became clear that this policy is a global trend that has been implemented in different countries of the world. Finally, by examining the history of Look to East policy in the Islamic Republic of Iran, it became clear that the strategy is the most likely option that the foreign policy apparatus of the Islamic Republic of Iran will pursue, at least in the next few years.

Keywords: *Asianizaion, Foreign Policy, Islamic Republic of Iran, Look to East*

آسیایی شدن: خوانشی جدید از راهبرد نگاه به شرق^۱

محمد حسن شیخ‌الاسلامی

دانشیار دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
(mhsheikh@gmail.com)

سجاد عطازاده

نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
(sajjad71atazadeh@gmail.com)

چکیده

طی سالیان اخیر راهبرد نگاه به شرق تبدیل به یکی از اصلی‌ترین مباحث مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است؛ اما علی‌رغم تأکیدات مکرر بر این راهبرد، یکی از مشکلات اصلی عدم تبیین دقیق از آن و ارائه تعاریف متفاوت از واژه «شرق» است. از طرف دیگر، در دهه‌های اخیر و مخصوصاً پس از آغاز هزاره جدید، شاهد خیزش آسیا و افزایش نقش کشورهای این قاره در عرصه روابط بین‌الملل بوده‌ایم و به تبع آن گسترش روابط با کشورهای آسیایی هم به شدت افزایش یافته و از سوی عده‌ای آسیایی شدن یا «چرخش به آسیا» نامیده شده است. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که آیا می‌توان خوانش جدیدی از سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران بر اساس ایده آسیایی شدن ارائه داد؟ به علاوه با توجه به تحولات نظام بین‌الملل و جایگاه جمهوری اسلامی ایران، راهبرد نگاه به شرق چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ بررسی‌های پژوهش حاضر ذیل روش توصیفی-تحلیلی و بر

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه آقای سجاد عطازاده با موضوع «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در آسیای جنوب شرقی: مطالعه موردی سیاست نگاه به شرق (۲۰۲۱-۲۰۱۱)» است که در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. دکتر محمد حسن شیخ‌الاسلامی استاد راهنما و دکتر سید محمد کاظم سجادیپور استاد مشاور این پایان‌نامه بوده‌اند.

اساس منابع کتابخانه‌ای خوانش جدیدی از نگاه به شرق را مطرح نمود که ذیل سیاست «چرخش به آسیا» و اصطلاحاً «آسیایی شدن» قرار می‌گیرد. نهایتاً با بررسی تاریخچه نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شد که راهبرد نگاه به شرق جمهوری اسلامی و مشخصاً آسیایی شدن حداقل در چند سال آینده محتمل‌ترین گزینه‌ای است که دستگاه سیاست خارجی به پیگیری آن خواهد پرداخت.

واژه‌های کلیدی: آسیایی شدن، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، چرخش به آسیا، نگاه به شرق

مقدمه:

سیاست نگاه به شرق که از آن با ملاحظاتی می‌توان با عناوینی مانند سیاست «نگاه به آسیا» هم یادکرد، اشاره به راهبردی دارد که در آن محور توجه سیاست خارجی از کشورهای غربی برداشته‌شده و بر روی کشورهای شرقی متمرکز می‌شود. البته نوع تعریف غرب و شرق از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، جغرافیایی نیست و در تعریف آن‌ها باید عنصر ایدئولوژیک را نیز وارد کرد. در برخی از منابع مربوط به سیاست نگاه به شرق، چنین مطرح‌شده است که اتخاذ این رویکرد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عمری به درازای انقلاب اسلامی دارد زیرا با توجه به این‌که رژیم پهلوی در بلوک غرب تعریف می‌شد و سیاست مستقل جمهوری اسلامی هم در برابر جهان‌بینی سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی قرار می‌گرفت، یافتن شرکای جدید مخصوصاً پس از جنگ تحمیلی در دستور کار قرار گرفت و به تدریج کشورهایمانند چین، هند، روسیه (پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی) مالزی و ... تبدیل به شرکایی مهم برای جمهوری اسلامی شدند. با این‌وجود، حقیقت آن است که علی‌رغم همه این مباحث، هنوز تعریف جامعی از این راهبرد و علی‌الخصوص مفهوم شرق ارائه نشده است و همین مسئله سبب گشته است تا در این حوزه با ابهام‌های زیادی روبه‌رو شویم.

از طرف دیگر در سال‌های اخیر و مخصوصاً پس از آغاز هزاره جدید شاهد افزایش نقش کشورهای آسیایی در عرصه روابط بین‌الملل و بالا رفتن جایگاه آنان در امنیت و سیاست جهانی بوده‌ایم، همین مسئله سبب شده است تا موج فزاینده‌ای از افزایش رابطه با کشورهای آسیایی ایجاد گردد و کشورهای مختلف

سعی نمایند تا در این منطقه برای خود جایگاه وثیقی بیابند. این موج گسترش روابط با کشورهای آسیایی از سوی برخی از پژوهشگران «آسیایی شدن» نامیده شده است. با توجه به خیزش آسیا در قرن حاضر - که سبب شده است قرن جاری «قرن آسیا» - خواننده شود و با توجه به این که گفته می‌شود که در همین دهه‌ای که اکنون در آن به سر می‌بریم، اقتصاد کشورهای آسیایی از اقتصاد سایر نقاط جهان بزرگ‌تر خواهد شد، با یک‌روند جهانی برای گسترش روابط با کشورهای آسیا - اقیانوسیه مواجه هستیم.

پژوهش حاضر در تلاش است تا اولاً به بررسی این نکته پردازد که آیا می‌توان خوانشی جدید از سیاست نگاه به شرق بر اساس مفهوم آسیایی شدن ارائه داد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا به تبیین خوانش‌های مألوف سه‌گانه از راهبرد نگاه به شرق پرداخته می‌شود و سپس آسیایی شدن به‌عنوان تفسیری جدید از این راهبرد به زیر ذره‌بین می‌رود و دلایل ارتقای جایگاه آسیا در صحنه بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. نهایتاً هم سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی بررسی می‌گردد و نقش آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های آتی پیش‌بینی می‌شود.

۱- پیشینه پژوهش:

ثقفی عامری و احدی (۱۳۸۷) در کتاب «ایران و سیاست نگاه به شرق» ضمن تعریف ماهیت این سیاست، به زمینه‌های روی آوردن به آن پرداخته‌اند و معتقد هستند که روابط ایران با کشورهای آسیایی سابقه‌ای طولانی دارد که یکی از بارزترین نمودهای آن جاده ابریشم است؛ با این وجود در دوران دولت نهم و به دلیل این که مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ نتوانست به اهداف مطلوب نائل شود، سیاست نگاه به شرق برای تحکیم روابط با کشورهایی مانند چین و روسیه مطرح گشت.

آدمی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها» اظهار داشته است که

برخلاف دوره تاریخی آغاز انقلاب اسلامی تا اواسط دهه ۸۰، در سال‌های بعد سیاست نگاه به شرق نقشی برجسته در سیاست ژئوپلیتیکی و جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران یافته و سبب شکل‌گیری یک گفتمان هویتی جدید در سیاست خارجی کشور شده است.

در مقاله «گزینه‌های ایران در روابط خارجی بر اساس سیاست نگاه به شرق» اثر شفيعی و صادقی (۱۳۸۸) هم پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که هدف از مطرح کردن سیاست نگاه به شرق توسط جمهوری اسلامی ایران، توازن بخشیدن به مراودات سیاسی و اقتصادی با کشورهای غربی و همچنین بهره بردن از امکانات و منابع فراوان کشورهای شرقی است.

هاتر^۲ (۲۰۱۰) هم در کتاب «سیاست خارجی ایران در دوران پسا-شوروی»^۳ این گزاره را مطرح ساخته است که اتخاذ سیاست نگاه به شرق توسط ایران، علاوه بر دلایلی مانند تلاش برای رفع حوائج اقتصادی و همچنین گریز از انزوای بین‌المللی، ناشی از عدم پذیرش نظم بین‌المللی حاکم بر جهان پس از جنگ سرد و تلاش برای تغییر آن با ایجاد یک جهان چندقطبی و همچنین انزوای ایران در خاورمیانه (به دلیل تفاوت قومی و مذهبی با همسایگان عمدتاً عرب و اهل سنت) و آسیای مرکزی (به نفوذ قدرت‌های بزرگ یا موج فزاینده پان‌ترکیسم) هم می‌باشد.

اخوان (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأثیر سیاست نگاه به شرق بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» شکل‌گیری سیاست نگاه به شرق را تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی می‌داند. از منظر نویسنده در بین عوامل داخلی، بیش‌تر از همه باید به نقش دولت نهم اشاره کرد؛ زیرا علی‌رغم توجه به این سیاست در طول دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران، نگاه به شرق در دوران دولت مذکور

² Hunter

³ Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era

دچار جهش شد. در عرصه بین‌الملل هم مؤلف به خیزش آسیا اشاره دارد که سبب شده است نقش آن در عرصه بین‌الملل به گونه غیرقابل انکاری پررنگ شود. نویسنده سیاست نگاه به شرق را به دو حوزه اقتصادی (انرژی) و سیاسی تقسیم می‌کند و معتقد است که این سیاست را در عرصه اقتصادی (انرژی) می‌توان موفق دانست اما در عرصه سیاسی به دلیل روابط گسترده کشورهای شرقی با دنیای غرب به مقصود نائل نشده است.

سلطانی‌نژاد (۱۳۹۴) نیز در پژوهش «مناسبات ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا (۱۳۸۱-۱۳۹۲)» به این نتیجه رسید که غالب شدن سیاست نگاه به شرق در مقطعی از سال‌های مذکور سبب رشد چشمگیر روابط اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای آسیای جنوب شرقی گشت؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران به دنبال یافتن جایگزینی برای غرب در روابط خود بود اما این وضعیت نتوانست دیری بپاید که علت آن را باید در فشار غرب و به‌ویژه آمریکا به کشورهای آسیای جنوب شرقی و همچنین تفوق چین در گفتمان ذهنی مسئولان جمهوری اسلامی در مقایسه با کشورهای جنوب شرق آسیا جست.

ارغوانی پیرسلامی (۱۳۹۴) هم در پژوهش خود با عنوان «روابط ایران و چین در دوره احمدی‌نژاد: سیاست نگاه به شرق و تأثیرات ساختاری» این گزاره را مطرح ساخته که دلیل عدم موفقیت سیاست نگاه به شرق ناشی از دو نوع مشکل بود: چالش‌های نظری مربوط به تبیین این نگاه و چالش‌های ساختاری و عملی موجود در روابط.

سازمند (۲۰۱۹) در مقاله «سیاست نگاه به شرق: سیاست منطقه‌ای ایران نسبت به کشورهای واقع در حوزه تمدنی ایران» معتقد است که نگاه به شرق هرگز حائز اهمیت راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نبوده است و آنچه باعث اهمیت یافتن آن در مقطعی از تاریخ جمهوری اسلامی شد، الزامات ناشی از

ساختار نظام بین‌الملل و کنشگری‌های قدرت‌های بزرگ در حوزه مسئله هسته‌ای ایران بود. مؤلف بر این باور است که خروج ایالات‌متحده آمریکا از برجام سبب مطرح‌شدن دوباره این سیاست گشته است.

احتشامی و بهجت (۲۰۱۹) معتقد هستند که ایران به‌عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه که از موهبت طبقه متوسط بزرگ و جمعیت باسواد و آموزش‌دیده بهره می‌برد و همچنین با در نظر گرفتن برخورداری از یکی از بزرگ‌ترین ذخایر هیدروکربنی جهان و همچنین وجود حکومتی باثبات و تقریباً پیش‌بینی‌پذیر، از امتیازات زیادی بهره‌مند است. با توجه به تخاصم موجود بین آمریکا و ایران در طی چهار دهه گذشته، جمهوری اسلامی به‌صورت پیوسته در حال اعمال دیپلماسی مسیر دو، متشکل از آمریکا-زدایی و آسیایی‌شدن، است تا بقا و شکوفایی خود در آینده را حفظ نماید.

۲- چارچوب مفهومی: نگاه به شرق

علی‌رغم اعلام رسمی اتخاذ راهبرد نگاه به شرق در مقاطع گوناگون توسط مسئولین عالی‌رتبه نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های دانشگاهی چندانی درباره این مفهوم انجام‌نشده است؛ همین مسئله، به همراه کاربست عبارت مذکور در بافتارهای گوناگون و بعضاً غیرعلمی، سبب ایجاد ابهام درباره مفهوم «نگاه به شرق» شده است. روشن است که می‌توان با بررسی دو جزء تشکیل‌دهنده این راهبرد، به معنایی روشن‌تر از آن دست‌یافت. واژه «نگاه» را می‌توان متسامحاً مترادف تلاش برای برقراری روابط بیشتر و محکم‌تر دانست؛ بنابراین در این راهبرد سعی می‌شود تا روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای «شرق» تحکیم و تعمیق گردد؛ اما چالش اصلی که سبب ابهام در معنی و مکان منظور این راهبرد می‌باشد، واژه «شرق» است.

در شناخته‌شده‌ترین طبقه‌بندی که از معانی مترتب بر واژه «شرق» در راهبرد «نگاه به شرق» انجام شده است، سه برداشت مختلف مطرح گشته‌اند: در رویکرد اول با ترکیبی از نگاه ایدئولوژیک و جغرافیایی روبه‌رو هستیم؛ به این معنی که از دیدگاه ایدئولوژیک ارتباط‌گیری با آن دسته از کشورهای آمریکای لاتین که نسبت به نظم غربی حاکم بر روابط بین‌الملل موضع تجدیدنظرطلبانه دارند، در حوزه نگاه به شرق طبقه‌بندی می‌شود (آدمی، ۱۳۸۹، ص. ۹۸)؛ جمهوری اسلامی ایران در مقطعی ذیل همین سیاست به ایجاد و گسترش رابطه با تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین، مانند ونزوئلا، کوبا، بولیوی و نیکاراگوئه پرداخت که برای مقابله با سیاست‌های آمریکا در منطقه مذکور «اتحادیه بولیواری برای مردم آمریکای ما (آلبا)»^۴ را به وجود آورده بودند. این خوانش را می‌توان ذیل ارتباط جنوب-جنوب نیز طبقه‌بندی کرد (شفیعی، ۱۳۸۸، ص. ۳۳۳)؛ که در مقطعی در ارتباط‌گیری گسترده جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی هم نمود و بروز یافت. شاید بتوان این خوانش از راهبرد نگاه به شرق را متسامحاً تا حدی مترادف با جهان‌سوم‌گرایی دانست. در حوزه جغرافیایی نیز ارتباط‌گیری با کشورهای واقع در شرق ایران مانند هند و چین مطرح می‌شود.

نکته مهم در تعریف اخیر آن است که کشورهایی که در طبقه‌بندی اخیر موردتوجه قرار می‌گیرند، علاوه بر این که از نظر جغرافیایی عمدتاً در آسیا قرار دارند (البته به جز روسیه که علی‌رغم قرار گرفتن بخش عمده‌ای از آن در قاره آسیا، اروپایی محسوب می‌شود)، نسبت به نظم غربی حاکم بر روابط بین‌الملل حالت تجدیدنظرطلبی دارند

⁴ Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America (ALBA)

و همین مسئله باعث می‌شود تا به گزینه‌ای مناسب برای ارتقای روابط با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شوند. در تحلیل این نگاه می‌توان به چند نکته اشاره کرد؛ اولاً در این تعریف با نوعی ابهام مکانی روبه‌رو هستیم زیرا به‌جای آن‌که با یک منطقه ژئوپلیتیک خاص سروکار داشته باشیم با گونه‌بندی مبتنی بر نگاه به نظم بین‌المللی روبه‌رو هستیم و مشخصاً نمی‌توان منطقه خاصی را ذیل این تعریف طبقه‌بندی کرد؛ خاصه آن‌که نقطه اوج ارتباط‌گیری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آمریکای لاتین یا آفریقایی در زمان رهبرانی خاص مانند چاوز^۵، مورالس^۶، اورتگا^۷ و عمرالبشیر^۸ -در مقطعی- بوده است و بعد از کنار رفتن یا تغییر موضع رهبران مذکور، امکان تداوم موضع پیشین وجود نداشته است. در گونه مبتنی بر ترکیبی از جغرافیا و ایدئولوژی نیز ذکر این نکته ضروری است که پرسامدترین خوانش از نگاه به شرق در نزد نخبگان فکری و اجرایی جمهوری اسلامی ایران، همین تعریف است که بیش‌تر از همه در تلاش برای عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای تبلور یافته است (آدمی، ۱۳۸۹، ص. ۹۸) که نهایتاً نیز در شهریور ۱۴۰۰ انجام شد. یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی در این خوانش، واکنشی بودن آن است؛ جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف تاریخ خود بیش‌تر به‌عنوان واکنشی در برابر کشورهای غربی به افزایش روابط با کشورهای مذکور اقدام کرده است و تعمیق روابط با آن‌ها اصالت نداشته است. علاوه بر این، همین مسئله باعث شده است تا در مواقعی جمهوری اسلامی ایران تبدیل به یک کارت بازی در دستان

⁵ Chávez

⁶ Morales

⁷ Ortega

⁸ Omar al-Bashir

طرف مقابل برای گرفتن امتیاز از آمریکایی‌ها گردد تا در مواقع مختلف از افزایش یا کاهش روابط با جمهوری اسلامی ایران برای تنظیم روابط خود با آمریکا استفاده نمایند (Hunter, 2010, p. 141).

خوانش دومی نیز در این طبقه‌بندی مطرح شده است که کاملاً ایدئولوژیک است. مطرح‌کنندگان این خوانش مدعی هستند که جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با بلوک غرب، به دنبال ایجاد بلوک جدیدی از کشورهای اسلامی است تا به مقابله با غرب برخیزد (آدمی، ۱۳۸۹، ص. ۹۸). در تحلیل این دیدگاه اشاره به چند نکته ضروری است؛ اولاً به نظر می‌رسد که این گزاره روایتی برساخته توسط غربی‌ها است تا از این طریق در نزد جامعه بین‌الملل، تصویری غیرمنطقی و هیولاسازی شده^۹ از جمهوری اسلامی ایران ارائه شود تا اولاً مخاطب عمومی تمایلی به آشنایی با پیام و منطق انقلاب اسلامی نداشته باشد و ثانیاً امکان ایجاد اجماع برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی فراهم شود. نکته بعدی آن است که این تعریف هم به شدت از ابهام مکانی رنج می‌برد. اولاً کشورهای اسلامی یک کل واحد نیستند که بتوان آن‌ها را ذیل یک بلوک واحد طبقه‌بندی کرد؛ به علاوه، در مجموعه کشورهای اسلامی گرایش‌های بسیار متضادی هم وجود دارد؛ به طوری که بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی یا امارات متحده عربی کاملاً در جبهه غرب و مقابل جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شوند.

می‌توان خوانش اول و دوم از راهبرد نگاه به شرق را در راستای رجحان دادن به نقش کشورهای مسلمان، همسایه و جهان سوم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. خوانش سومی که از سیاست نگاه به شرق مطرح شده است،

⁹ demonized

از سوی برخی «تمدنی» نامیده شده است؛ به این معنا که کشورهای واقع در شرق آسیا از زاویه منطقه‌ای کانون توجه سیاست نگاه به شرق قرار می‌گیرند؛ تعدادی از محققان معتقد هستند که این خوانش از راهبرد نگاه به شرق می‌تواند موفق‌تر از خوانش‌های پیشین باشد زیرا برخلاف دو خوانش پیشین از ابهام مکانی رنج نمی‌برد.

۳- آسیایی شدن: خوانشی جدید از نگاه به شرق

نگاه حاکم بر پژوهش حاضر به این خوانش نزدیک‌تر است؛ با این تفاوت که مرجع عزیمت ما در این پژوهش، ذیل خوانش کلی «نگاه به آسیا-اقیانوسیه» یا «چرخش به آسیا» می‌گیرد که تبدیل به روندی جهانی در عرصه سیاست بین‌الملل شده است؛ شاید بتوان بهترین شاهد برای این مدعا را در این کلام مانموهان سینگ^{۱۰}، نخست‌وزیر سابق هند، یافت که:

«اکنون بزرگ‌ترین فرصت برای ترسیم مسیری جدید در پیش روی آسیا در اختیار ما قرار گرفته است. با توجه به حجم اقتصاد جهانی و محرک‌های رشدی که وارد این منطقه شده‌اند، آینده آسیا آینده جهان را در قرن حاضر شکل خواهد داد» (Singh, 2013).

اگر همین تعریف اخیر را به‌عنوان تعریف استاندارد بپذیریم، محدوده مکانی کشورهای هدف راهبرد نگاه به شرق را می‌توان در کشورهای جنوب آسیا، شرق و جنوب شرق آسیا و همچنین روسیه تحدید کرد. گفته می‌شود که در همین دهه‌ای که اکنون در آن به سر می‌بریم، اقتصاد کشورهای آسیایی از اقتصاد سایر نقاط جهان بزرگ‌تر خواهد شد و این اتفاقی است که پس از قرن ۱۹ تاکنون سابقه نداشته است (Loong, 2020). افزایش روزافزون اهمیت آسیا در عرصه‌های گوناگون باعث شده است که کشورهای مختلف راهبرد نگاه به این منطقه را در قالب‌های گوناگونی

¹⁰ Manmohan Singh

مانند «چرخش به آسیا»، «نگاه به شرق»، «نگاه به جنوب» و ... دنبال می‌کند؛ آنچه در این میان اهمیت دارد آن است که در این خوانش دال‌های مختلف اشاره به مدل‌ولی واحد دارند؛ به عبارت دیگر، برای اشاره به ضرورت توجه به منطقه «آسیا-اقیانوسیه» در جمهوری اسلامی ایران یا ترکیه به ترتیب از «نگاه به شرق» و «دوباره آسیا» استفاده می‌شود؛ این در حالی است که برای اشاره به همین مفهوم در تایوان یا کره جنوبی از مفهوم «نگاه به جنوب» استفاده می‌گردد.

۴- آسیایی شدن در کشورهای دیگر

همان‌گونه که پیش‌تر هم مورد اشاره قرار گرفت، سیاست آسیایی شدن روندی جهانی است که در کشورهای مختلف جهان در حال اجرایی شدن است و در حقیقت، جمهوری اسلامی ایران از یک راهبرد جهانی الگوبرداری کرده است. برای استفاده از تجربیات مشابه کشورهای گوناگون، در این بخش به بررسی سیاست نگاه به آسیا-اقیانوسیه در ۴ کشور ترکیه، هند، تایوان و کره جنوبی خواهیم پرداخت. علی‌رغم تفاوتی که در این ۴ راهبرد وجود دارد، اما همه آن‌ها با الفاظ گوناگون به اهمیت منطقه آسیا-اقیانوسیه تأکید دارند و نشانگر نقش فزاینده این منطقه در سیاست دولت‌های گوناگون هستند. آنچه باعث اهمیت بیش‌تر این راهبرد می‌شود، اجرای آن از سوی کشورهایی مانند تایوان، کره جنوبی و ترکیه است که بیش‌تر به داشتن گرایش‌های غربی مشهور هستند.

۴.۱ ترکیه: از بلوک غرب تا «دوباره آسیا»

امپراتوری عثمانی از زمانی که به همراه صفویان ایران و مغول‌ها سه امپراتوری مهم زمان را تشکیل می‌دادند، روابطی با کشورهای آسیایی داشت که از جمله نمودهای بارز آن فعالیت صوفیان در آسیا است. با تشکیل دولت ترکیه به رهبری مصطفی

کمال آتاتورک^{۱۱} این رابطه مطلوب ادامه داشت؛ زیرا ترکیه توانسته بود، برخلاف بسیاری از کشورهای آسیایی، به استقلال دست یابد و در فرایند سکولاریزاسیون هم موفق بود و این همان چیزی بود که به زعم عده‌ای کشورهای آسیایی به دنبال آن بودند؛ اما از آنجاکه بیش‌تر کشورهایی که از استقلال کامل برخوردار بودند و ترکیه می‌توانست در فرایند توسعه خود به آن‌ها تکیه بزند، غربی بودند، این کشور کاملاً خود را در جبهه غرب تعریف می‌کرد. بنیان‌گذاران ترکیه معتقد بودند که نزدیکی به غرب می‌تواند سبب شکوفایی بیش‌تر کشور آن‌ها گردد و به همین دلیل همه تلاش خود را برای نشان دادن افتراق خود با بلوک شرق و نزدیکی به بلوک غرب نشان دادند. تنها پس از تحریم ترکیه به دلیل رخدادهای مربوط به قبرس در دهه ۷۰ میلادی بود که این کشور متوجه ضرورت تنوع‌بخشی به شرکای خود شد. سیاست ترکیه در این زمینه تا سال ۲۰۰۲ و به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه^{۱۲} ادامه داشت اما اردوغان پس از به نتیجه نرسیدن مذاکرات خود با کشورهای غربی، در سال ۲۰۱۰ شروع به اتخاذ سیاست نگاه به شرق و کشورهای آسیایی نمود. در همین راستا، مولود چاووش اوغلو^{۱۳}، وزیر امور خارجه ترکیه، در سال ۲۰۱۹ از برنامه «دوباره آسیا»^{۱۴} رونمایی کرد و سفیری ویژه برای این برنامه برگزید. چرخش به آسیا که در برنامه «دوباره آسیا» نمود یافته معلول سه عامل است: تغییر جهان‌بینی در سیاست خارجی ترکیه که سبب شده است مناطقی که پیش‌تر از این مورد توجه قرار نمی‌گرفتند، اهمیت بیابند، تغییر موازنه قوای جهانی که در آن شاهد

11 Mustafa Kemal Atatürk

12 Justice and Development Party

13 Mevlüt Çavuşoğlu

14 Asia Anew

قدرت گرفتن نقش چین، روسیه و هند در جهان هستیم و نهایتاً تلاش آسیا برای کسب رهبری جهانی که مثلاً در رقابت بین چین و هند نمود یافته است (Anas, 2020, pp. 12-13).

در سالیان اخیر دادوستد ترکیه با کشورهای منطقه نیز افزایش یافته است به طوری که بیشترین تراز تجاری منفی ترکیه به این منطقه تعلق دارد و از تجارت ۵۰ میلیارد دلاری ترکیه با کشورهای آسیا-پاسفیک، حدود ۴۰ میلیارد دلار آن واردات است. با توجه به این که ترکیه بخشی از گروه میکتا^{۱۵} (مشمول بر ۵ کشور مکزیک، اندونزی، کره جنوبی، ترکیه و آفریقای جنوبی) به شمار می‌رود و ۳ عضو این گروه در منطقه آسیا-پاسفیک قرار دارند، راه برای فعالیت بیش‌تر در منطقه باز است. در شمال شرق آسیا، ترکیه روابط خود را با تمامی بازیگران از جمله کره شمالی، تایوان، ژاپن و چین مستحکم نموده است. بزرگ‌ترین برنده «چرخش به آسیا» ترکیه هم کره جنوبی بوده است و در سال ۲۰۱۲ روابط دو کشور به سطح «مشارکت راهبردی» ارتقا یافت. در عرصه روابط تجاری نیز، علی‌رغم اختلافات مربوط به اویغورها، آسیای مرکزی و سوریه، شاهد گسترش روابط چین و ترکیه بوده‌ایم؛ به طوری که میزان تجارت دو کشور از یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۲۳.۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت (Azad S. , Identity vs. Interests: Turkey Looks East, 2020, p. 126).

۴.۲ هند از نگاه به شرق تا کنشگری در شرق

هندی‌ها بر این باور هستند که از دوره پیش از استعمار تا دهه ۶۰ میلادی نقش رهبری آسیا را بر عهده داشتند اما در این دوران دچار افول شدند. آن‌ها در دهه ۹۰

هند به فکر احیای جایگاه از دست رفته خود افتادند؛ در همین راستا بود که ناراسیما راثو^{۱۶}، نخست‌وزیر وقت هند، ایده نگاه به شرق را مطرح کرد تا از این طریق کشورهای آسیایی را به سرمایه‌گذاری در هند ترغیب کند و در عین حال چارچوب توسعه هند را بر اساس الگوبرداری از آن‌ها ترسیم کند. البته عده‌ای معتقد هستند که اتخاذ سیاست نگاه به شرق توسط هند واکنشی به نفوذ فزاینده چین در کشورهای اقیانوس هند، به‌عنوان حیات خلوت هند، بود و در حقیقت هند قصد داشت تا با این کار در آسیای جنوب شرقی، به‌عنوان حوزه نفوذ چین، اعمال نفوذ نماید (Ruland, 2019, p. 10). اما پس از به قدرت رسیدن نارندرا مودی^{۱۷}، نخست‌وزیر فعلی هند، در سال ۲۰۱۴ این سیاست در قالب جدید به نام «کنشگری در شرق^{۱۸}» ظهور و بروز یافت. سیاست جدید با راهبرد پیشین ۳ تفاوت دارد؛ اولاً جامع‌تر است و علاوه بر اقتصاد، موضوعات دیگری، از جمله امنیت را نیز در برمی‌گیرد، ثانیاً مفهوم جدید «ایندو-پاسفیک» در آن مطرح می‌شود و دامنه جغرافیایی بیش‌تری را در برمی‌گیرد و ثالثاً اجرایی کردن آن از فوریت بیش‌تری برای هند برخوردار است. در منابع موجود ۳ دلیل برای اتخاذ راهبرد کنشگری در شرق مطرح شده‌اند: الف) خیزش چین و سیاست تهاجمی آن مخصوصاً پس از به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ^{۱۹} که خود را در رشد اقتصادی بالای چین و رهاسازی مردم آن کشور از فقر نشان داده است. ب) نقصان‌های موجود در نظام امنیتی پسا جنگ سرد: کشورهای بزرگ پس از جنگ سرد علاقه چندانی به ایفای نقش در بازی امنیتی

16 Narasimha Rao

17 Narendra Modi

18 Act Eastwards

19 Xi Jinping

نداشتند و همین مسئله سبب شد تا بازیگران متوسط- مانند آسه‌آن- در این صحنه نقش اول را بازی کنند و ج) افزایش نقش هند در صحنه بین‌الملل که خود را در رشد اقتصادی و نقش‌آفرینی این کشور در عرصه جهانی نشان داده است. در این سیاست جدید چندین کار عملی می‌گردند: الف) ایجاد امنیت در اقیانوس هند: اقیانوس هند برای هندوستان بسیار حائز اهمیت است زیرا ۹۵ درصد حجم تجارت و ۶۸ درصد ارزش تجارت آن از طریق این پهنه آبی انجام می‌شوند. ۴۰ درصد نفت دنیا نیز از این اقیانوس عبور می‌کند. افزایش فعالیت دزدان دریایی در خلیج عدن و همچنین حضور نظامی چین در اقیانوس هند و همچنین ایجاد نخستین پایگاه نظامی خارجی چین در جیبوتی سبب افزایش نگرانی درباره امنیت این منطقه شده است ب) تعامل با آسیای جنوب شرق: منطقه جنوب شرق آسیا نقطه ثقل سیاست «نگاه به شرق» هند بود (Jaishankar, 2019, p. 6).

۴.۳. تایوان، نگاه به جنوب و قدرت نرم:

سیاست نوین به‌سوی جنوب^{۲۰} تایوان در سال ۲۰۱۶ و توسط رئیس‌جمهور تسای اینگ ون^{۲۱} اعلام شده است و هدف آن گسترش و تحکیم روابط تایوان با ۱۸ کشور مختلف - ۱۰ کشور عضو آسه‌آن، ۶ کشور جنوب آسیا (هند، پاکستان، بنگلادش، نپال، سری‌لانکا و بوتان)، استرالیا و نیوزلند- است (Huang, 2018, p. 54). بررسی روابط آسه‌آن و تایوان نشان می‌دهد درحالی‌که سهم آسه‌آن از تجارت تایوان در سال ۱۹۹۵ تنها ۱۷.۸۱ درصد و بسیار کمتر از آمریکا، هنگ‌کنگ و ژاپن بود، در سال ۲۰۱۵ تایوان به پنجمین شریک اقتصادی بزرگ آسه‌آن تبدیل شده بود. قرار

²⁰ New Southbound Policy

²¹ Tsai Ing-wen

است این گسترش روابط با استفاده از مزیت‌های فرهنگی، آموزشی، فناورانه، کشاورزی و اقتصادی تایوان و در مسیر همگرایی منطقه‌ای انجام شود. در دستورالعمل صادرشده برای این سیاست بیان شده است که هدف از آن (۱) تشکیل یک جامعه اقتصادی با ایجاد ارتباط بین تایوان و ۱۸ کشور هدف و (۲) ایجاد سازوکارهای لازم برای مذاکرات گسترده با این ۱۸ کشور هدف و ایجاد «اجماعی برای همکاری» با آن‌ها است. اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت این برنامه از این قرار هستند: استفاده از اراده ملی، مشوق‌های سیاستی و فرصت‌های تجاری برای گسترش روابط با کشورهای هدف، تشویق صنایع به اتخاذ سیاست‌های مرتبط با این هدف، تربیت افراد دارای مهارت‌های بیش‌تر برای پشتیبانی از سیاست نوین به‌سوی جنوب و گسترش روابط و مذاکرات دوجانبه و چندجانبه برای بهبود مشارکت اقتصادی و حل‌وفصل اختلافات. در بلندمدت نیز قرار است تا تایوان با استفاده از این سیاست به تحکیم روابط اقتصادی و بینا شخصی^{۲۲} با ۱۸ کشور هدف بپردازد؛ یکی از مهم‌ترین بخش‌های این هدف گسترش به اشتراک‌گذاری منابع، استعدادها و بازارها است. در همین راستا است که وانگ می‌خوا^{۲۳}، وزیر تجارت تایوان، طی سخنرانی در جمع مسئولین این کشور در ۸ سپتامبر ۲۰۲۱ اظهار داشت که به علت اهمیت آسه‌آن، تایوان تمرکز خود را بر روی آموزش و تبادل استعداد با کشورهای این منطقه صرف خواهد کرد (Strong, 2021). همان‌طور که بررسی مفاد و محتوای این برنامه نشان می‌دهد، تفاوت اصلی آن با سایر راهبردهایی که تحت عنوان نگاه به آسیا-اقیانوسیه مطرح شده‌اند، توجه به جنبه‌های قدرت نرم در آن است، به‌طوری‌که

²² interpersonal

²³ Wang Mei-hua

در کنار مسائل اقتصادی و حتی بیش‌تر از آن بر امور فرهنگی، توریستی، فناورانه، آموزشی و مسائلی از این دست تأکید می‌شود. مسئله حائز اهمیت بعدی در این میان استفاده تایوان از سیاست نوین به‌سوی جنوب برای بهبود وضعیت اقتصادی و صنعتی مناطق جنوبی کشور خود است زیرا بخش‌های جنوبی و شرقی تایوان از توسعه‌یافتگی کمتری در مقایسه با شمال و مرکز آن برخوردار هستند. هدف بلندمدت دیگر نیز که در این میان از اهمیت خاصی برخوردار است، ایجاد یک سازوکار گفت‌وگوی جامع است تا بر مبنای آن بتوان به حل مشکلات و تفاوت‌ها و همچنین تقویت اعتماد متقابل پرداخت (Glaser, 2018, p. 18).

۴.۴ کره جنوبی و سیاست نوین جنوب:

مون جه-این^{۲۴} رئیس‌جمهور کره جنوبی در سال ۲۰۱۷ در اندونزی با اعلام «سیاست نوین جنوب^{۲۵}» اظهار داشت که از این‌پس توجه ویژه‌ای به کشورهای واقع در جنوب کره جنوبی (کشورهای آسه‌آن و هند) انجام خواهد شد. این کار با هدف افزایش استقلال راهبردی کره جنوبی به‌عنوان یک قدرت متوسط و اخذ مسئولیت‌های بیش‌تر و متناسب با نقش فزاینده این کشور در عرصه جهانی انجام گرفته است. سیاست مذکور دو ویژگی دارد که آن را از سایر راهبردهای مشابه متمایز می‌سازد: اولاً در آن خبری از مسائل امنیتی نیست و ثانیاً پایه اصلی آن بر اساس کمک‌های توسعه‌ای شکل گرفته است؛ علت این امر آن است که کره جنوبی سعی کرده است تا حد امکان وارد رقابت‌های راهبردی چین و ایالات متحده نشود. میزان کمک‌های توسعه‌ای کره جنوبی به کشورهای عضو آسه‌آن در سال‌ها اخیر بسیار افزایش یافته

²⁴ Moon Jae-in

²⁵ New Southern Policy

است. مثلاً سازمان تعاون بین‌المللی کره جنوبی^{۲۶} در سال ۲۰۱۹ اعلام کرد که در راستای توجه بیش‌تر دولت این کشور به آسه‌آن تا سال ۲۰۲۳ میزان کمک‌های توسعه‌ای خود به ۶ کشور عضو این اتحادیه را با افزایشی حدوداً دو برابری از ۸۷ میلیارد دلار به ۱۸۰.۴ میلیارد خواهد رساند. راهبرد «نگاه به جنوب»^۳ هدف را دنبال می‌کند: ۱- تنوع اقتصادی: کره جنوبی با توجه به کشورهای آسیای جنوب شرقی و هند در تلاش است تا به شرکای اقتصادی خود تنوع بخشد تا هم با توجه به افزایش نقش خود در عرصه جهانی با کشورهای جدیدتری ارتباط بگیرد و هم با توجه به آن‌که حدود ۲۷ درصد تجارت خود را با چین انجام می‌دهد، از این وابستگی بکاهد. در همین راستا بود که در سال ۲۰۱۹، آسه‌آن، با ۱۵۳.۷ میلیارد دلار به دومین شریک اقتصادی بزرگ کره جنوبی تبدیل شد و هند هم‌رتبه هشتم را به خود اختصاص داد.

۲- باز-متوازن‌سازی دیپلماتیک: کره جنوبی به این نتیجه رسیده است که کشورهای عضو آسه‌آن و هند کم‌ترین توجه را در سیاست خارجی این کشور به خود اختصاص داده‌اند، به همین دلیل، سعی می‌کند تا در عرصه دیپلماتیک این کم‌کاری را جبران کند. مثلاً در سال ۲۰۱۹، مون‌جه-این به تعهد خود برای دیدار دیپلماتیک از تمامی ۱۰ کشور عضو آسه‌آن جامه عمل پوشاند؛ سفارت کره جنوبی در آسه‌آن نیز ارتقای جایگاه یافت؛ یکی از معاونان سابق وزارت امور خارجه به‌عنوان سفیر منصوب شد و تعداد کارکنان سفارت نیز ۳ برابر گشت. ۳- مشارکت منطقه‌ای: کره جنوبی در این راهبرد، توجه ویژه‌ای به آسه‌آن معطوف نموده است و همواره بر مرکزیت این سازمان منطقه‌ای تأکید کرده است (Wongi, 2021, p. 9 and 16).

26 Korea International Cooperation Agency (KOICA)

۵- دلایل روی آوردن به سیاست آسیایی شدن در کشورهای مختلف

باگذشت زمان شاهد خیزش شرق و افول غرب بوده‌ایم و همین امر سبب شده است تا افزایش ارتباط با کشورهای آسیایی برای همه جهان تبدیل به یک راهبرد شود. گفته می‌شود که ۲۰۰ سال اخیر که با تفوق آمریکا و اروپا همراه بوده است، در تاریخ بشر یک انحراف به شمار می‌رود زیرا تا سال ۱۸۲۰ این هند و چین بودند که بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان به شمار می‌رفتند (Mahbubani, 2014). در سالیان اخیر و به‌ویژه پس از یازده سپتامبر نیز شاهد افول جایگاه آمریکا در عرصه روابط بین‌الملل و در مقابل خیزش اقتصادهای آسیایی مانند چین، هند و کشورهای آسیای جنوب شرق هستیم. برابر با آمارهای ارائه‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول، آسیا بزرگ‌ترین قاره جهان از نظر تولید ناخالص داخلی اسمی و برابری قدرت خرید به شمار می‌رود (IMF, 2022). تعدادی از پژوهشگران معتقد هستند که بحران مالی سال ۲۰۰۸ نشان داد که نظام سرمایه‌داری از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برد که توانایی فائق آمدن بر آن‌ها را ندارد؛ این در حالی است که اقتصاد شرق توانست تا حد زیادی خود را از این بحران مصون نگه‌دارد (شفیعی، ۱۳۸۸، ص. ۳۱۶).

حتی فردی مانند فوکویاما که روزگاری از پایان تاریخ و تفوق لیبرال دموکراسی بر انواع دیگر حکومتی سخن به میان آورده بود، اخیراً اظهار داشته است که ویروس کرونا سبب تسریع انتقال قدرت از غرب به شرق خواهد شد، زیرا کشورهای این منطقه عملکرد بهتری در زمینه کنترل کرونا از خود نشان داده‌اند (Fukuyama, 2020, p.28). فوکویاما معتقد است ناقوس به پایان درآمدن هژمونی جهانی آمریکا بسیار پیش‌تر از خروج اخیر نیروهای آمریکایی از افغانستان به صدا درآمده است و آنچه باعث ضعف و افول آمریکا شده است، بیش‌تر از آن‌که بین‌المللی و خارجی باشد،

در حقیقت داخلی است. او بر این باور است دوران هژمونی آمریکا عمری کمتر از دو دهه داشته - از زمان سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ تا بحران مالی سال ۲۰۰۷- و اوج آن هم حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ بوده است؛ از دیدگاه او، میزان تک‌جانبه‌گرایی در دوره مذکور در تاریخ بی‌سابقه است و اکنون با سطح بالاتری از چندجانبه‌گرایی در جهان روبه‌رو هستیم (Fukuyama, 2021).

می‌توان افول آمریکا و خیزش چین را معلول چهار عامل دانست: ۱) جنگ علیه تروریسم که سبب شد آمریکا بیش از حد بر خاورمیانه متمرکز شود: کشته شدن ۷ هزار نظامی آمریکایی، زخمی شدن ۵۰ هزار نفر و خودکشی ۳۰ هزار سرباز و هزینه ۷ تریلیون دلاری بخشی از هزینه‌ای بود که ایالات متحده در جنگ علیه تروریسم متحمل شد (Rhodes, 2021). ۲) پذیرش چین در سازمان تجارت جهانی در دسامبر ۲۰۰۱ که سبب شد چین جایگزین ژاپن به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان گردد، ۳) بحران مالی سال ۲۰۰۸ که رکودی بزرگ را در آمریکا و اتحادیه اروپا به همراه داشت و ۴) اتخاذ سیاست تهاجمی چین در منطقه آسیای جنوب شرقی، جنوب آسیا و آسیای مرکزی از سال ۲۰۰۸ که سبب تغییر جغرافیای سیاسی مناطق مذکور شد و پس از انتخاب شی جین پینگ در سال ۲۰۱۲ و مطرح‌شدن طرح «کمربند-راه» گسترش بیش‌تری یافت (Yahuda, 2019, 255). البته در این میان تبدیل چین به قطب انرژی جهان نیز بی‌تأثیر نبوده است و درحالی‌که وابستگی آمریکا به نفت کمتر شده است، چین به‌شدت به منابع انرژی جهان وابسته شده و پیش‌بینی می‌شود که تا دو دهه آینده به قطب مصرفی انرژی جهان تبدیل شود (گوهری & انصاری، ۱۴۰۰، ص. ۲۲۶) و همین مسئله نیز سبب گشته است تا جایگاه چین در میان بسیاری از کشورهای صادرکننده انرژی افزایش یابد.

۶- نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران:

اگرچه راهبرد نگاه به شرق به صورت ویژه از اواسط دهه ۸۰ به عنوان راهبردی کلان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد، اما ریشه آن به سال‌های بعد از جنگ تحمیلی می‌رسد. پس از پایان جنگ سرد شاهد این بودیم که منطقه‌گرایی و تلاش برای افزایش ارتباط با مجموعه کشورهای واقع در مناطق گوناگون در قالب‌های دوجانبه یا سازمان‌های منطقه‌ای از سمت بیشتر کشورهای جهان دنبال شد؛ جمهوری اسلامی ایران هم در همین راستا سعی کرد تا همکاری‌های خود با کشورهای واقع در قاره آسیا را تحکیم کند؛ بیش‌تر محققان معتقد هستند که این توجه جمهوری اسلامی به قاره آسیا معلول دو عامل کلی بود؛ اولاً در سطح بین‌المللی و پس از فروپاشی نظام حاکم بر شوروی شاهد سر برآوردن نظم تک‌قطبی جدیدی به رهبری آمریکا بودیم که جمهوری اسلامی ایران تمایلی به پذیرش آن نداشت و برای این‌که این نظم جدید را به چالش بکشد، شروع به تعمیق روابط و همکاری‌های خود با کشورهایی نمود که آن‌ها هم موضع مشابهی درباره نظم بین‌الملل جهانی داشتند. بیش‌تر این کشورها، مانند چین و هند که پیش‌تر به بلوک شرق تعلق داشتند در قاره آسیا واقع بودند و این امر اهمیت قاره آسیا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را سبب شد. دلیل دوم توجه به قاره آسیا از سمت جمهوری اسلامی ایران ریشه در موقعیت ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایران داشت. از دید تعدادی از محققین ایران همواره در منطقه خاورمیانه به دلیل ماهیت شیعه و غیر عرب خود از سوی کشورهای عربی طرد شده است و به همین دلیل نمی‌تواند به این کشورها به چشم گزینه‌ای برای افزایش سطح روابط خود نگاه کند؛ از طرف دیگر منطقه آسیای مرکزی هم به دلیل این‌که زمین بازی قدرت‌های بزرگ به شمار

می‌رود (پیرسلا می، ۱۳۹۴، ص. ۲۱) و همچنین به علت نفوذ شدید پان‌ترکیسم از زمینه‌های همکاری مناسب با جمهوری اسلامی ایران برخوردار نیست؛ در نتیجه ایران حتی پیش از دوران انقلاب اسلامی و همچنین قبل از این‌که چین و هند و سایر کشورهای قاره آسیا نقشی چنین برجسته در عرصه سیاست و اقتصاد بین‌الملل بیابند، از آغوشی باز نسبت به قاره آسیا و کشورهای واقع در این منطقه برخوردار بود (Hunter, 2010, p. 117) در حقیقت می‌توان این‌گونه بیان داشت که سیاست چرخش به شرق جمهوری اسلامی ایران دو وجه دارد؛ در وجه اول می‌توان آن را دفاعی در برابر فشارهای کشورهای غربی دانست و در وجه دوم، این سیاست تدبیری فعال برای متفیع شدن از فضای در حال تغییر حاکم بر روابط بین‌الملل است (Sanaei & Karami, 2021, p. 27).

این سیاست جدید از سوی برخی از پژوهشگران «آسیایی شدن^{۲۷}» نامیده شده است؛ ایران حتی پیش از انقلاب اسلامی به دنبال مطرح کردن خود به‌عنوان یک قدرت آسیایی بود و در همین راستا با کمک به دولت‌های افغانستان و پاکستان سعی کرد تا جای پای خود در جنوب آسیا بیابد؛ ایران همچنین اولین کشور طرفدار غرب در حاشیه خلیج فارس بود که در سال ۱۹۷۳ روابط رسمی خود را با جمهوری خلق چین برقرار کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این نگاه به شرق و آسیایی شدن سرعت بیشتری گرفت و پس از جنگ سرد نیز وارد فاز جدیدی شد. پس از این‌که آسیا اصطلاحاً به «کارخانه تولیدی» جهان بدل شد و مشخص گشت که قرن جدید را باید «قرن آسیا» خواند، کشورهای آسیایی جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یافتند. البته این ارتباط تا حدی دوسویه نیز

است؛ افزایش تولید در کشورهای آسیایی نیاز آن‌ها به انرژی را افزایش داده است و در این میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا جایگاه ویژه‌ای در عرصه امنیت انرژی یافته‌اند- مثلاً در سال ۲۰۱۷ ژاپن، چین و هند به ترتیب بیش‌تر از ۷۰، ۴۰ و ۶۰ درصد نفت موردنیاز خود را از کشورهای این منطقه تأمین کردند. در نتیجه همین آسیایی شدن بود که در دهه اول هزاره جدید، شاهد بودیم که آسیا مقصد ۹۱ درصد صادرات ایران بود و ۶۸ درصد واردات نیز از کشورهای آسیایی انجام می‌شد؛ البته خیزش آسیا در عرصه سیاست بین‌الملل برای ایران از اهمیتی متفاوت در مقایسه با کشورهای حاشیه خلیج فارس برخوردار است زیرا ایران از تغییر نظم غربی حاکم بر سیاست بین‌الملل خشنود است و این اتفاق را پایانی بر تحریم‌ها و انزوای تحمیل‌شده بین‌المللی می‌داند. در حقیقت جمهوری اسلامی ایران، معتقد است که اکنون در دنیای «پساغربی» به سر می‌بریم که در آن شاهد افزایش قدرت‌های آسیایی هستیم (Ehteshami & Bahgat, 2019, p. 27). در حقیقت جمهوری اسلامی ایران جزء بازیگران ناراضی از نظام بین‌الملل است (فرجی، ۱۳۹۹، ص. ۵۳۵) و همین مسئله سبب شده است تا شرایطی مساعد برای همکاری با کشورهای آسیایی داشته باشد.

سیاست نگاه به شرق تاکنون در سندی رسمی مورد تبیین قرار نگرفته است اما بعد از انقلاب اسلامی می‌توان اولین نمونه‌های آن را در دولت سازندگی دید. نظم بین‌المللی به وجود آمده پس از جنگ سرد که در آن ایالات متحده آمریکا به‌عنوان هژمونی مطرح شده بود، موردپسند جمهوری اسلامی نبود و به همین دلیل دولت ایران مجبور بود تا برای فراهم کردن زمینه بقا و رشد و شکوفایی خود، به کشورهایی نزدیک‌تر شود که نسبت به نظم بین‌المللی غربی زاویه داشتند و از این مسیر به

متنوع‌سازی منابع دیپلماتیک خود اقدام نماید. نمونه بارز این کشورها در آسیا چین و هند بودند. البته تعدادی نیز معتقد هستند که ارتباطات عمدتاً نظامی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ تحمیلی با کشورهایی مانند کره‌شمالی و چین که در قالب خرید تسلیحاتی مانند موشک‌های کرم‌ابریشم^{۲۸}، توپ‌های کوکسان^{۲۹} و سامانه پدافندی اچ‌کیو^{۳۰} نمود یافته بود، مبدأ سیاست نگاه به شرق به شمار می‌رود؛ اگر این گزاره را بپذیریم می‌توان این‌گونه بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران یکی از اولین کشورهایی است که بسیار پیش‌تر از پا گرفتن موج چرخش به آسیا در کشورهای مختلف جهان، سیاست خارجی آسیایی محور را دنبال نموده است (Azad S. , 2020, p. 12).

در دولت اصلاحات نیز علی‌رغم این‌که دولت مستقر در برنامه‌های خود بیش‌تر به دنبال تحکیم روابط با غرب بود، اما روابط خود را با کشورهای آسیایی افزایش داد؛ به‌طوری‌که مثلاً در دولت اول اصلاحات، سند همکاری میان چین و ایران امضا شد (پیرسلامی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹). اما نقطه اوج سیاست نگاه به شرق در دولت‌های نهم و دهم اتفاق افتاد؛ پژوهشگران معتقد هستند که یکی از عوامل اصلی این جهت‌گیری جدید سرخوردگی از غربی‌ها در جریان مذاکرات هسته‌ای در دولت اصلاحات بود، تلاش برای حل و فصل مسائل هسته‌ای از طریق مذاکره با کشورهای موسوم به «۳+۱» نتوانست جمهوری اسلامی ایران را در مسیر استفاده از حق مشروع خود مبنی بر استفاده از انرژی هسته‌ای یاری کند؛ به همین دلیل دولت جدید برای ایجاد توازن در برابر غربی‌ها و آنچه از آن با عنوان «همسو کردن منافع اقتصادی سیاسی»

28 Silkworm

29 Koksan

30 HQ-2J

خوانده شده است، به ارتقای روابط با کشورهای پربادخت که مواضع منطقی تری در مقایسه با غربی‌ها داشتند؛ آنچه سبب تفاوت سیاست نگاه به شرق دولت‌های نهم و دهم با دولت‌های پیشین جمهوری اسلامی ایران شده بود این بود که این رویکرد تا سال ۸۴ در زیر سایه راهبردهای دیگر محسوب می‌شد و حالت کلان نداشت اما پس از این سال تبدیل به رویکردی راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گشت؛ به علاوه، سیاست نگاه به شرق ذیل و در سایه تلاش برای حل و فصل اختلافات با غربی‌ها تعریف نمی‌شد و به خودی خود اهمیت یافته بود (سازمند، ۱۳۹۹، ص. ۴۱). به علاوه، این تصور وجود داشت که ایالات متحده آمریکا دشمن وجودی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود و بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که روابط با آمریکا حالتی پایدار به خود بگیرد (پیرسلامی، ۱۳۹۴، ص. ۲۲). اما پس از روی کار آمدن دولت یازدهم شاهد بودیم که بیش‌ترین تلاش دستگاه سیاست خارجی بر روی بهبود چهره جمهوری اسلامی ایران در فضای بین‌الملل از طریق حل مسئله هسته‌ای و انعقاد برجام گذاشته شد. البته در همان سال‌ها هم سیاست نگاه به شرق مورد تأکید مسئولین عالی نظام بود، به طوری که در سال ۱۳۹۶ رهبر انقلاب اسلامی طی سخنانی اظهار داشتند:

«در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ما است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

در همین زمان هم وب‌سایت دفتر رهبر انقلاب اسلامی، ۶ دلیل را برای ترجیح فوق‌الذکر اعلام نمود: دسترسی به بازارهای بزرگ، توازن تجاری مناسب، منافع مشترک بالا، اثرگذاری کمتر دشمنان بر حوزه شرق، توان تکنولوژیکی و فناورانه

بالای شرق و وجود پول‌ها و ارزهای متفاوت و گسترده (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۶). پس از خروج آمریکا از برجام، شاهد مطرح شدن دوباره ایده نگاه به شرق در محافل تصمیم‌گیری بودیم که نقطه اوج آن در عقد قرارداد ۲۵ ساله همکاری مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و چین تبلور یافت؛ به طوری که عده‌ای بر این باور هستند که راهبرد نگاه به شرق جمهوری اسلامی حداقل در چند سال آینده محتمل‌ترین گزینه‌ای است که دستگاه سیاست خارجی به پیگیری آن خواهد پرداخت (Sanaei & Karami, 2021, p. 32)؛ امری که مخصوصاً با تأکیدات مسئولین عالی‌رتبه دولت سیزدهم بر «آسیاگرایی» و «قرن آسیا» تبلور یافته است (خبرگزاری دانشجو، ۱۴۰۱) و حتی عده‌ای بر این گمان هستند که احتمالاً ایران به این سمت خواهد رفت که با طراحی مشارکت فراگیر منطقه‌ای با کشورهایمانند سنگاپور و اندونزی بر کارآمدی سیاست خارجی خود بیفزاید (حمیدی و مزدخواه، ۱۴۰۰، ص. ۴۲۹).

نتیجه‌گیری:

با توجه به ۳ خوانشی که پیش‌تر از راهبرد نگاه به شرق مطرح شد و پذیرش با جرح و تعدیل تعریف سوم به‌عنوان مبنای پژوهش حاضر، می‌توان سیاست نگاه به شرق را افزایش روابط و همکاری با کشورهای واقع در شرق، جنوب شرق و شمال شرق جمهوری اسلامی ایران تعریف کرد. همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، کشورهای واقع در این حوزه جغرافیایی، همه در قاره آسیا و منطقه موسوم به «آسیا-اقیانوسیه» قرار دارند و به همین دلیل می‌توان این تعریف را ذیل موج جدید «چرخش به آسیا-اقیانوسیه» که در سیاست خارجی بیش‌تر کشورهای دنیا به‌عنوان

اصلی مبرهن پذیرفته شده است و نمونه‌هایی از آن مورد مطالعه قرار گرفت، طبقه‌بندی نمود. این سیاست اصطلاحاً «آسیایی شدن» نامیده گشت.

آنچه باعث روی آوردن کشورهای مختلف جهان به این راهبرد شده است، خیزش شرق و افول غرب است که ریشه در چهار عامل جنگ آمریکا در خاورمیانه، پذیرش چین در سازمان تجارت جهانی، بحران مالی سال ۲۰۰۸ و اتخاذ سیاست راهبردی توسط چین دارد.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران هم از این قاعده مستثنا نبوده است و هم‌زمان با افزایش فشار کشورهای غربی و همچنین باهدف ایجاد توازن در سیاست خارجی خود، سعی بر اتخاذ سیاست نگاه به شرق در مقاطع مختلف داشته است که البته به جهت‌گیری دولت‌های مختلف از شدت و ضعف برخوردار بوده است. پس از خروج آمریکا از برجام، شاهد مطرح‌شدن دوباره ایده نگاه به شرق در محافل تصمیم‌گیری بودیم و پیش‌بینی می‌شود که با توجه به جهت‌گیری‌های دولت دوازدهم، نگاه به شرق اصلی‌ترین راهبردی خواهد بود که در سال‌های آینده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دنبال خواهد شد.

منابع

الف: فارسی

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. (۱۳۹۵). روابط ایران و چین در دوره احمدی‌نژاد: سیاست نگاه به شرق و تأثیرات ساختاری. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۸(۳۲)، ۹-۴۱. بازیابی شده از https://prb.ctb.iau.ir/article_521448.html
- آدمی، علی. (۱۳۸۹). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۲(۷)، ۹۷-۱۲۶. https://jourm.azadshahr.iau.ir/article_666106.html
- حمیدی، سمیه، مزدخواه، احسان. (۱۴۰۰). الگوی کارآمدسازی سیستمی؛ گذار از محیط تقابلی به سیاست خارجی فرکتال تعامل محورلنه منطقه‌ای (نمونه مطالعاتی: جمهوری اسلامی ایران). فصلنامه رولیط خارجی، ۱۳(۲)، ۳۹۵-۴۳۳. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085419.1400.13.2.7.8>
- خبرگزاری دانشجو. (۱۴۰۱، خرداد ۵). امیرعبداللهیان: قرن ۲۱، قرن آسیا است. بازیابی از <https://snn.ir/fa/news/1012733/> خبرگزاری دانشجو:
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای. (۱۳۹۶، بهمن ۳۰). شش دلیل برای ترجیح شرق به غرب. بازیابی در آبان ۲۶، ۱۴۰۰، از <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=38981>
- سازمند، بهاره (۱۳۹۹). سیاست نگاه به شرق: واکاوی دیپلماسی علم و فناوری ایران در کشورهای اسلامی جنوب شرقی آسیا. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲۹-۵۳.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۸). گزینه‌های ایران در سیاست خارجی براساس سیاست نگاه به شرق. راهبرد یاس، ۳۰۹-۳۳۶.
- فرجی، محمدرضا. (۱۳۹۹). راهبردهای سیاست خارجی در وضعیت گذار قدرت: ایران و عربستان سعودی. فصلنامه روابط خارجی، ۱۲(۳)، ۵۱۹-۵۴۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085419.1399.12.3.6.2>
- گوهری مقدم، ابوذر، انصاری بارده، رضا. (۱۴۰۰). تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۲)، ۲۰۹-۲۳۱. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085419.1400.13.2.1.2>

محبوبانی، کیشور (۱۳۹۹، آبان ۲۹)، غرب چگونه می‌تواند خود را با آسیای به‌پاخاسته وفق دهد؟ روزنامه فرهیختگان. <https://farhikhtegandaily.com/news/46385/>

ب: انگلیسی

- Anas, O. (2020). The Evolution of Turkey's Asia Policy in Historical and Contemporary Perspectives. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 430-446.
- Azad, S. (2020). Identity vs. Interests: Turkey Looks East. *Middle East Policy*, 120-131.
- Azad, S. (2020). *Looking East : a changing Middle East realigns with a rising Asia*. New York: Algora Publishing.
- Bardakci, T. Y. (2020, September 3). Turkey's Turn to the Asia-Pacific بازایی . <https://thediplomat.com/2020/09/turkeys-turn-to-the-asia-pacific/> از November 9, 2021 در
- Ehteshami, A., & Bahgat, G. (2019). Iran's Asianisation Strategy. In A. Perteghella, *Iran Looking East: An Alternative to the EU?* (pp. 11-40). Milan: Ledzioni LediPublishing for ISPI.
- Fukuyama, F. (2020). The Pandemic and Political Order. *Foreign Affairs*, 26-32.
- Fukuyama, F. (2021, November 8). Francis Fukuyama on the end of American hegemony. Retrieved from Economist: <https://www.economist.com/the-world-ahead/2021/11/08/francis-fukuyama-on-the-end-of-american-hegemony>
- Glaser, B. S. (2018). *The New Southbound Policy*. Washington: CSIS.
- Huang, K.-B. (2018). (TAIWAN'S NEW SOUTHBOUND POLICY: BACKGROUND, OBJECTIVES, FRAMEWORK AND LIMITS). *Revista UNISCI*, 47-68.
- Hunter, S. (2010). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*. Santa Barbara: Praeger.
- IMF. (2021). GDP, current prices بازایی در November 14, 2021 ، <https://www.imf.org/external/datamapper/NGDPD@WEO/OEMDC/ADVEC/WEOWORLD>
- IMF. (2022). GDP, current prices. Retrieved from International Monetary Fund: <https://www.imf.org/external/datamapper/NGDPD@WEO/OEMDC/ADVEC/WEOWORLD>
- Ing-wen, T. (2021, November/December). *Taiwan and the Fight for Democracy* .

- ، از November 21, 2021، بازیابی در
<https://www.foreignaffairs.com/articles/taiwan/2021-10-05/taiwan-and-fight-democracy>
- Jaishankar, D. (2019). *Acting East: India in the Indo - Pacific*. New Delhi: Brookings India.
- Lewis, D. (2019, July). Strategic Culture and Russia's "Pivot to the East:" Russia, China, and "Greater Eurasia". Retrieved November 21, 2021, from <https://www.marshallcenter.org/en/publications/security-insights/strategic-culture-and-russias-pivot-east-russia-china-and-greater-eurasia-0>
- Loong, L. H. (2020, July/August). Foreign Affairs بازیابی در November 12, 2021 از <https://www.foreignaffairs.com/issues/2020/99/4>
- Mahubani, K. (2014, September 4). Preparing for the Chinese-Indian century. Retrieved from Gateway House: <https://www.gatewayhouse.in/preparing-for-the-chinese-indian-century/>
- Rhodes, B. (2021). Them and Us. *Foreign Affairs*, 22-31. Retrieved from: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-08-24/foreign-policy-them-and-us>
- Ruland, J. a. (2019). Overlapping regionalism and cooperative hegemony: how China and India compete in South and Southeast Asia. *Cambridge Review of International Affairs*, 178-200.
- Sanaei, M., & Karami, J. (2021). Iran's Eastern Policy: Potential and Challenges. *Russia in Global Affairs*, 25-49.
- Singh, H. K. (2013). *Asia's Arc of Advantage*. New Delhi: Indian Council for Research on International Economic Relations.
- Strong, M. (2021, September 8). Taiwan to focus on talent training exchanges with ASEAN. Retrieved November 21, 2021, from <https://www.taiwannews.com.tw/en/news/4282956>
- Wongi, C. (2021). "New Southern Policy" Korea's Newfound Ambition in Search of Strategic Autonomy. Brussels : IFRI.
- Yahuda, M. (2019). *The International Politics of the Asia-Pacific*. New York: Routledge.